

اشاره:

دکتر مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم‌سالاری
با برنامه تنگنا در دیدار نیوز به تفصیل در مورد مباحث مختلف سیاسی گفت و گو کرد. متن کامل این گفت‌وگو به شرح زیر تقدیم خوانندگان ارجمند می‌شود.

پیام دوم خرداد از دید شما چه بود؟

بسه هر حال بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین مضمونی که از دوم خرداد می‌توان برداشت کرد این بود که مردم اگر خواسته‌ای داشته باشند و زمامداران خواسته دیگری را بخواهند به مردم تحمیل کنند حتما زمامداران شکست خواهند خورد و حرف مردم پیشی خواهد رفت، حزب مردم‌سالاری قبل از آن که این نام را داشته باشد نام آن مدافعین پیام دوم خرداد بود که ما گفتیم پیام دوم خرداد همان مردم‌سالاری است و لذا نام آن را تغییر دادیم و گفتیم همان مردم‌سالاری است که فقط مناسبت تاریخی و روز مشخصی نباشد و پیام باشد، لذا من فکر می‌کنم اینکه در حاکمیت حزب مردم شنیده بشود و همان حق الهی است که به مردم داده می‌شود این بزرگترین پیام دوم خرداد بود که خلاصه آن مردم‌سالاری می‌شود.

چه ضرورتی را در آن مقطع خاص تاریخی در سال‌های ۷۶ الی ۷۷ احساس می‌کردید که تشکیلاتی را راه‌اندازی کنید و مبنا و پایه آن در استان سمنان بود با این‌ عنوان که مدافعین پیام دوم خرداد باشد؟ آیا احساس می‌کردید این پیام قرار استت مورد هجمه باشد که باید از آن دفاع می‌شد؟

بله واقعیت این بود که تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ معمولا این گونه نبود که رقابت‌ها خیلی جدی باشد، غیر از ۸ سال جنگ تحمیلی و دوران میرحسین موسوی بعد از آن هاشمی فرسنگنجانی را تجربه کردیم که دو دور رئیس جمهور شدند و عملاً رقابت به آن شکل نبود و بعد اتفاقی افتاد که خیلی‌ها حتی در روزهای آخر مرحوم آیتالله مهدوی کنی جمله‌ای گفته بودند «حسد می‌زنیم که نظر مقام رهبری هم ناطق‌نوری باشد» و روزنامه ابرار بود که همان روز پنج‌شنبه این صحبت را به عنوان تیترا قرار داد ولی مردم چیز دیگری خواستند و من به یاد دارم آخرین سفر خاتمی هم استان سمنان بود که در تاریخ ۳۱ اردیبهشت بود که جزو آخرین سفرها بود که همان گونه که در راه بازگشت بودیم آقای خاتمی هم چندان باور نمی‌کردند که قرار است اتفاقات عجیبی بیفتد و همان شب هم اطلاعیه‌ای آمد که ستاد مرکزی‌شان را تعطیل کرده بودند و برخورد کرده بودند، اما بسه هر حال ما معتقد بودیم ایسن حالت که مردم هر چه را بخواهند باید همان بشود در چهار چوب همان الزامات و قواعد و مقررات باید انجام بشود و ما گفتیم این امر را باید حفظ کنیم و این بحث مهم دوم خُرداد بود و پیام اصلی هم این بود که همیشه زمامداران حرف آخر را نمی‌گویند گاهی هم مردم باید حرف آخر را بگویند و با این که تقریبا اکثرا می‌گفتند جناب آقای ناطق نوری رئیس جمهور شد و به پایان رسید ولی نتایج به شکل دیگری رقم زده شد که حتی رهبری هم اسم آن روز را دوم خرداد نامیدند.

من فکر می‌کنم پیام مردم‌سالاری بزرگترین پیامی بود که مسا می‌گفتیم باید مدافع این پیام باشیم و بعدد اصل این پیام مردم‌سالاری است بنابراین تصمیم گرفتیم اسم اصلی را جایگزین قرار دهیم و تغییر دادیم در نتیجه اولین کنگره‌ای هم که تشکیل شد و روزنامه‌ای هم گرفته بودیم که نام آن مردم‌سالاری بود ابتدا این مساله مطرح شد که نام تشکیلات همان مردم‌سالاری باشد. شما به عنوان چهره تشکیلاتی که خودتان موسس یک حزب هستید و در آن فضای بازی که بعد از دوم خرداد ایجاد شده است در کشور حزبی را تشکیل می‌دهید همزمان در حزب همبستگی هم عضو می‌شوید و تا رده‌های فوقانی حزب فعالیت می‌کنید و در سمت‌های بالایی در حزب همبستگی بودید، فکر نمی‌کنید این کار خلاف آن روح تشکیلاتی است در حالی که خودتان موسس و صاحب یک حزب هستید و همزمان در حزب دیگری فعالیت می‌کنید؟ آیا این فقدان روحی تشکیلاتی در آقای کواکبیان است یا خیر فقدان کارکرد درست احزاب ما است که یک فرد مجبور می‌شود همزمان در دو حزب فعالیت داشته باشد؟

ما قبل از این که کنگره حزب مردم‌سالاری را در سال ۸۰ برگزار کنیم و در فاصله الی ۷۶ الی ۷۸ این کار یک بازه زمانی داشت که ما در آن مدت به عنوان قائم مقام دبیر کل حزب همبستگی مرحوم دکتر راجمندی فعالیت داشتیم که یک‌دیگر ارتباط داشتیم و ایشان دعوت کرد و اتفاقا خیلی از نمایندگان مجلس ششم هم عضو این حزب همبستگی بودند و شخصیت‌هایی مانند قندهاری و افراد دیگری مانند دکتر خباز و الیاس حسرتی ... و، که هستند، این‌ها همه در حزب همبستگی بودند و حزب ما اصلا رسمیت نداشتند و تازه شکل گرفته بود تا این که در مقطع سالل ۷۸ درخواست دادیم و در مقطع ۸۰ اولین کنگره ما برگزار شد که ما رسماً حزب مردم‌سالاری را داشتیم.

خواستند پیام اصلی این هسته اولیه حزب تشکیلات مدافعین پیام دوم خرداد و حزب مردم‌سالاری در استان سمنان بود و فعالان ستادی آقای خاتمی هستند که حزب را تشکیل می‌دهند، چه ضرورتی را احساس کردید که به جای این که آن حزب را تبدیل به حزب منطقه‌ای و استانی کنید به دنبال یک حزب سراسری رفتید؟ آیا اگر شما یک حزب یک استانی می‌شد و در استان سمنان تمرکز می‌شد و فعالیت می‌کرد این امکان را نداشت که تاثیر گذاری بیش‌تری را در فضای سیاسی و اجتماعی داشته باشید؟

قطعا شما می‌دانید که یک حزب ملی بیشتر می‌تواند نسبت به حزب محلی تاثیر گذار باشد، ما الان در کمسیون ماده قانون احزاب برخی احزاب را داریم که استانی هستند و برخی احزاب هم می‌هستند، استانی یعنی این که در محدوده یک استان می‌توانند فعالیت کنند ولی احزاب ملی در کل کشور می‌توانند فعالیت کند. واقعیت این که در این فاصله از طرف دوستان حزب مشارکت هم دعوت به همکاری شده بود ولی بعد که در حزب همبستگی ... مسائلی پیش آمد احساس کردیم که هم محدود به یک استان شدن خیلی فایده ندارد و هم محدود به تشکیلاتی که به هر دلیل یک مقامی ممکن است تفاوت‌های فکری وجود داشته باشد، لذا گفتیم که حزب مردم‌سالاری باشد و اتفاقا در مجلس دهم بیسنی از ۲۰ نفر از اعضای مجلس دهم عضو حزب مردم‌سالاری بودند ولی به صورت چراغ خاموش عملکرد داشتیم و خیلی بروز و ظهور نداشتیم به طوری که در این مقطع از ۱۰ عضو شوروری مرکزی بودند، یعنی افرادی بودند که عضو شوروی مرکزی بودند و در حال حاضر برخی از همان افراد هم هنوز در شورای مرکزی فعالیت دارند لذا این که شما فرمایید تاثیر گذاری استانی می‌توانست موثر باشد درست است اما دید ما یک دید ملی بود و پیام دوم خرداد مربوط به این استان نبود بلکه مربوط به کشور بود.

آقای کواکبیان چرا چراغ خاموش فعالیت داشتید؟ شما می‌توانستید یک فراکسیون ۲۰ نفره در مجلس دهم داشته باشید، چه ایرادی داشت که مشخص بشود ما فراکسیونی داریم که متعلق به حزب مردم‌سالاری است؟

ما در مجلس دهم به عنوان فراکسیون امید بودیم که حدودا ۱۲۰ نفر بودیم و فقط ۲۰ نفر عضو بودند و ۱۰۰ نفر دیگر عضو نبودند ما احساس کردیم که اگر پرچم فراکسیون خاصی حزب مردم‌سالاری را بلند کنیم ممکن است اختلاف و انشقافی در آن مجموعه ۱۲۰ نفر تصور بشود در صورتی که همان مجموعه هم بسه طور واقع به اکثریت نرسید برخلاف این که اعضای مجلس دهم متعلق به اصلاح‌طلب‌ها بود، در مجلس دهم ۷۰ الی ۸۰ نفر داشتیم که نام خودشان را مستقلین ولایی نامیده بودند و حزب این‌ها در محدوده‌های اف ای تی اف و سی اف تی ...

با ما رفاقت داشتند اما وقتی در بحث داخلی می‌آمد این‌ها به سمت اصولگرایان غنی می‌کردند البته رئیس‌شان هم لاریجانی رئیس مجلس بود و لذا مجلس دهم را نمی‌توان گفت مجلس اصلاح‌طلب‌ها بود اما محدوده‌ای هم که به عنوان فراکسیون امید بود ما نمی‌خواستیم خیلی تکروی کنیم و بگوییم با پرچم خاص حزب مردم‌سالاری هستیم.

من می‌خواهم به طور مفصل در مورد مجلس دهم و فراکسیون امید با شما صحبت کنم، اما آیا تجربه حزب مردم‌سالاری را از نظر گستردگی خود در سطح کشور به عنوان حزب ملی و تعداد اعضا و اثر گذاری در سیاست‌های کلی کشور تجربه‌های موفق‌ی می‌دانید؟

ما فراز و فرودهای زیادی داشتیم، ما در یک دورانی بالای ده هزار حزب رسمی در حزب مردم‌سالاری داشتیم.

در چه مقطعی بوده است؟

قبل از ۸۸ بود ولی در سال ۸۸ با حوادثی که پیش آمد نصف اعضای ما ریزش کردند و به‌گونه‌ای نگرانی در برخی از اعضایی که آمده بودند به وجود آمده بود، برخی‌ها را مجددا به تدریج جذب کردیم. همین حاکمیت به احزاب اجازه نمی‌دهد که خیلی بروز و ظهور داشته باشند و دلیلش هم همین قانون اساسی است. قانون اساسی ما نظام حزبی را نپذیرفته است، نظامی را می‌پذیرد که انتخابیاتی می‌شود و عده‌ای می‌آیند و ... در واقع نظام پذیرفته شده حزبی رئیس حزب اکثریت است که دولت تشکیل می‌دهد و نظام‌های پارلمانی معمولا این گونه هستند و حتی نظام ریاستی هم در دنیا تجربه شده است که اکثریت آن حزب همان کار را تعیین می‌کند و سیاست‌های کلی را تعیین می‌کند اما در نظام جمهوری اسلامی این مورد جای بحث دارد، مثلا اگر الا بحث کنیم که به هر دلیلی مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید ما سیاست‌های کلی رهبری را این گونه تشخیص می‌دهیم، مگر می‌شود یک حزب بگوید ما خلاف سیاست‌های کلی این گونه تشخیص می‌دهیم؟!

کارکرد حزب چیست؟

ما ۳۰ مورد گفتیم که باید بازنگری قانون اساسی امضا شود که یک مورد همین است که باید یک سیستم نظام انتخاباتی و نظام حزبی در قانون اساسی باشد. اساسا در دنیا هر اسمی از دموکراسی بیابورید یعنی بحث انتخاب است. دموکراسی موازای با انتخابات است و هر گونه بحثی از انتخابات رقابت است و انتخابات بدون رقابت معنا ندارد و هر اسمی از رقابت بیابوریم بحث احزاب به میان کشیده می‌شود بنابراین وقتی شما احزاب قوی نداشته باشید یعنی رقابت جدی ندارید، وقتی رقابت جدی نداشته باشید یعنی دموکراسی یک موضوع حزبی می‌شود و لذا برای این که کلمه مردم‌سالاری که در جامعه ما وجود دارد تحقق پیدا کند نظام باید حزبی بشود تا رقابت جدی شود و انتخابات واقعی شود و لذا من می‌پذیرم که شما بگویید پس اگر که این شکل است چرا حزب وجود دارد؟ ما معتقد هستیم که صبوری پیشه می‌کنیم و شکیبایی داریم که به نظام حزبی برسیم.

به عنوان مثال؛ جماعت اخوان المسلمین در مصر هشتاد الی نود سال است که شکل گرفته شده است که به محمد مرادی رسیدند که رئیس جمهور شده بود و باز دستگیری شدند و آقای السیسی به روی کار آمدند. به هر حال کار حزبی این گونه است که شما اعتقادات و مرامی دارید و بر اساس آن اعتقادات پیش می‌روید و ممکن است به هدف‌تان زودتر یا دیرتر برسید لذا ما فعلا صبرمان زیاد است.

این شکیبایی و صبوری شما به عنوان فعال سیاسی این گونه است؛ ممکن است بگویید من صبر می‌کنم کما این که دوم خرداد سالل ۷۶ به بعد طبق صحبت‌های خودتان صبر کردید و به این مسیر ادامه می‌دهید اما مردم چقدر باید صبر کنند؟

باید بینش و سطح آگاهی مردم به درجه‌ای برسد که بازنگری قانون اساسی مطالبه جدی‌شان بشود، الان مطالبه جدی مردم به واقع این نیست و باید صادقانه بگویم ما پنج سال است که کار می‌کنیم اما باید به سمتی بروم که مطالبه جدی باشد.

الان مطالبه جدی چیست؟

بزرگترین دغدغه مردم الان معیشت آنها است و به فکر این هستند که چگونه بومیه خود را بگذرانند و متناسفانه برخی از حاکمان و زمامداران مخالف نیستند که با چیزهایی مشغول بشوندند که فکر این که چرا این بلا بر سرشان آمده نباشند. من معتقد هستم که در انتخابات پیش‌رو بعید می‌دانم که به دلیل مشکلات معیشتی اعتماد آن چنانی به حکومت داشته باشند و باعث بشوند انتخابات حداکثری را تجربه کنیم. درمانش هم این است که مطالبه جدی ندارند، حتی در بحثی که اخیرا مطرح شده بود بحث انحرافی بود که از ۵۹ قانون اساسی باید فرزندوم کنید؛ در این اصل می‌گوید دو سوم نمایندگان مجلس باید رای بدهند و مجلس حرف‌هایی می‌زند که هیچ گاه هم شکل گرفته است و به گونه‌ای که اول انقلاب تا به حال اصل ۵۹ اجرا نشده است و لذا ما طرح جمهوریت رسوم را گفتیم، یک بار در سال ۵۸ برای قانون اساسی فرزندوم انجام شده است و دیگری در سال ۶۸ و لذا ما می‌گوییم یک بار دیگر باید تجربه بشود و یکی مز مواردی که باید اصلاح بشود همین اصل ۵۹ است، چرا باید دو سوم نمایندگان مجلس رای بدهند؟! مشخص است که هیچ گاه رای نمی‌دهند حتی مجلس اصلاح طلب هم اختیار تقریبی را مردم نمی‌دهد و می‌گوید ما خودمان تصمیم می‌گیریم لذا مجددا بگوییم که ۲۰ نماینده کافی است مانند این است که بتوان گفت کاری که کشور‌های اروپایی با یک میلیون امضا جمع کردن برای موضوعاتی فرزندوم برگزار می‌کنند یا بشود گفت یک تعدادی از احزاب درخواست بدهند اما الان این‌قدر سخت گرفته شده است که فرمان همه‌پرسی توسط رهبری بعد از این که دو سوم نماینده‌های مجلس تصویب کردند داده شد که در مسائل بسیار مهم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌توان فرزندوم انجام داد و این فرزندوم اصل ۵۹ است.

بازنگری قانون اساسی موجب بزرگتری پیام دوم خرداد ۷۶ این بود که همیشه زمامداران حرف آخر را نه بفراندم اصل ۵۹ چون نیازمند مصوبه دو سوم نمایندگان مجلس است در ۴۴ سال گذشته ۷۶ بزرگترین پیام دوم خرداد ۷۶ این بود که همیشه زمامداران حرف آخر را نه بفراندم اصل ۵۹ چون نیازمند مصوبه دو سوم نمایندگان مجلس است در ۴۴ سال گذشته ۷۶ استقلال قوه قضائیه، استقلال بانک مرکزی، عدم دخالت نیروهای مسلح در جناح‌بندی‌های سیاسی یکی از موانع جدی فعالیت‌های ما شخص آقای لاریجانی بود؛ در استیضاح وزیر کش طبق سند چشم‌انداز تا دو سال دیگر باید کشور اول منطقه و کشور دهم برتر آفند ۷۶ من در کنگره حزبی خودمان گفتم جناب آقای میر حسین موسوی شما خیلی جلو رفتید؛ مقداری عقب بنشینید و رهبر معض

من معتقد هستم که باید به این سمت برویم که سطح بینش و آگاهی مردم را به سمتی ببریم که بازنگری در ساختار نظام جدی بشود و مطالبه جدی بشود. ما اخیرا صحبتی از رهبری را در مشهد دیدیم که فرمودند و اکثرا گفتند که باب بازنگری قانون اساسی را دیگر مطرح نکنید و ما گفتیم ما ۵ سال است که این بحث را مطرح می‌کنیم و بحث ما خارج از قانون اساسی نیست و تمام اصل ۱۷۷ اپیش بینی دارد تا بشود این کار انجام گیرد و دو بار هم انجام شده است و دفعه سوم هم ما می‌توانیم انجام دهیم و این می‌تواند انگیزه‌ای برای مردم باشد و مشارکت حداکثری داشته باشد و به سمت نظام حزبی و گره‌گشایی‌هایی که برای نظام بن بست ایجاد کرده است برویم بنابراین بن بست‌ها باید رفع بشود و رفع شدن آن هم قانون اساسی است.

اشاره می‌کنید که قانون اساسی ما در ساختارش ایراداتی استست که به احزاب اجازه فعالیت نمی‌دهد اگر چه در همین قانون اساسی تصویب شده است که فعالیت احزاب آزاد است و می‌توانند فعالیت کنند و احزاب در جایی از فعالیت منع نشدند اما شما می‌فرمایید نظام حزبی نداریم و از سوی دیگر می‌فرمایید نیاز به بازنگری در قانون اساسی حس می‌شود و به نوعی این اولویت و ماجرای فراندومی که در اصل ۵۹ قانون اساسی آمده است، من مشاهده می‌کنم که از منظر آقای کواکبیان نظام مردم‌سالاری آن برداشتی از فرزندوم که در صحبت‌های فردی مانند آقای حسن روحانی ما اخیرا دیده‌ایم در حال حاضر اولویت ندارد و شاید حیاتی هم نیست و از طرف دیگر بازنگری در قانون اساسی است که به نظر می‌آید دو مانع دارد که ابتدا ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی است که افرادی هستند که به قول خودشان ممکن است بگویند انجم این کار چه ضرورتی دارد و مساله دوم اساسی بعد از این که انجام شد و فرمان آن هم انجام شد باید در یک فرزندوم به رای مردم گذاشته بشود و به نظر می‌آید اخیرا با این اظهار نظر و تحلیل مردم هم مغالفت شده است شما چقدر این موضوع را عملیاتی می‌بینید؟

من فکر می‌کنم این که با فرزندوم مخالفت شده است بیشتر بحث فرزندوم اصل ۵۹ است و دیگه‌ای وجود دارد و در مشهد هم رهبری این را مطرح فرمودند که عده‌ای هم به‌دنبال تغییر قانون اساسی یا بازنگری در قانون اساسی هستند، به تعبیری که این‌ها از عوامل خارجی دستور می‌گیرند یا متوجه نیستند البته معتقد هستم عده‌های خارجی به شدت مخالف

بازنگری در قانون اساسی است چون معتقد هستند قانون اساسی زودتر نظام را به فروپاشی می‌رساند و ما را سوپاپ اطمینان تلقی می‌کنند و می‌گویند افرادی که از بازنگری قانون اساسی صحبت می‌کنند می‌خواهند برون‌رفت از این مشکلات را پیدا کنند و لذا این‌ها بجز ناکت‌تر هستند نسبت به آن‌هایی که می‌گویند دست به بازنگری نزنید.

ما معتقد هستیم هر شخصی از بازنگری قانون اساسی صحبت کرد یعنی به نفع دشمنان صحبت می‌کند بلکه شدیدا بر علیه اپوزیسیونی که معتقد است نظام جمهوری اسلامی باید فرو بیاند ما با آن‌ها در حال برخورد هستیم. اما نکته‌ای که شما فرمودید من می‌گویم دورماش تغییر کرده و فکر می‌کنید شورای بازنگری می‌کنند می‌خواهند برون‌رفت از این مشکلات را پیدا کنند و لذا این‌ها بجز ناکت‌تر هستند نسبت به آن‌هایی که می‌گویند دست به بازنگری نزنید.

اگر این‌ها قانون اساسی را بخواهند بنویسند، ابتدا اگر ما

۸۰ میلیون نفر جمعیت داریم ۶۰ میلیون نفر واجدین شرایط فرزندوم باید باشند ۳۰ میلیون نفر باید بیایند و در فرزندوم شرکت کنند و از این ۳۰ میلیون نصف بعلاوه یک رای مثبت بدهند، نمی‌توان با دو میلیون نفر فرزندوم را برگزار کرد! **یعنی ما تصریح داریم که باید نصف واجدین شرایط در فرزندوم شرکت کنند؟**

بله در آئین نامه وجود دارد. گفته شده نصف بعلاوه یک باید رای بدهند تا بحث همه‌پرسی تصویب بشود.

نصف بعلاوه یک شرکت‌کنندگان یا واجدین شرایط؟
شرکت کنندگان. اما من می‌خواهم بگویم معنا ندارد که شما فرزندومی با تعداد شرکت کنندگان نداشته باشید. گفته‌اند که اگر فرزندوم را با ۳۰ میلیون نفر برگزار کنند حد معقول برگزاری فرزندوم می‌باشد و گفته می‌شود که در این صورت نصف واجدین شرایط شرکت کرده‌اند اما این که گفته شود با سه میلیون نفر می‌خواهیم فرزندوم برگزار کنیم معنا ندارد و برگزار نکردن این فرزندوم بهتر است، با این که برگزار کنید اما اگر مردم استقبال نکنند باز تصویب نمی‌شود لذا شما باید چیزی بنویسید که بر مبنای خواست و مطالبات مردم باشد که مردم دوست داشته باشند تا این که اصل حضور را تحریم نکنند و بعد هم که آمدند آن مصوبات شما را تصویب کنند. آن ضد انقلابی که مایل به هیچ بازنگری در قانون اساسی نیست و آن افرادی هم که در داخل می‌گویند این کار‌ها باعث می‌شود کار خراب‌تر بشود من می‌گویم اشتباه می‌کنند، شما باید جاده‌ای را صاف کنید و بروید مطابق مطالبات اکثریت مردم باید برگزار کنید و با هر ترکیبی که باشد، مگر می‌توانند چیزی بنویسند. در ایسن عصر فضای مجازی که کسی دستش بالا می‌کند همه متوجه می‌شوند مگر می‌شود چیزی را مخفیانه و مخالف خواست مردم نوشت.

الان دانشجو که هیچ حتی دانش آموز هم از افراد بزرگتر بیشتر می‌فهمند؛ مگر می‌شود مردم را گول زد و فریب داد لذا چیزی باید بنویسند که من مردم آن فرزندوم را تحریم کنند و این مردم بعد از این که آمدند اکثریت‌شان رای بدهند لذا به نظر ما این راه حل بسیار منطقی است و آن افرادی هم که می‌گویند وابسته به خارج است و... احتمالا فکر می‌کنند ما می‌خواهیم اساس نظام براندازی شود.

آقای میر حسین موسوی در بیانیه‌ای که چند وقت قبل

دبیرکل حزب مردم‌سالاری در

بازنگری قانون اساسی موجب

✓ **بزرگترین پیام دوم خرداد ۷۶ این بود که همیشه زمامداران حرف آخر را نه**

✓ **فراندم اصل ۵۹ چون نیازمند مصوبه دو سوم نمایندگان مجلس است در ۴۴ سال گذشته**

✓ **استقلال قوه قضائیه، استقلال بانک مرکزی، عدم دخالت نیروهای مسلح در جناح‌بندی‌های سیاسی**

✓ **یکی از موانع جدی فعالیت‌های ما شخص آقای لاریجانی بود؛ در استیضاح وزیر کش**

✓ **طبق سند چشم‌انداز تا دو سال دیگر باید کشور اول منطقه و کشور دهم برتر آفند**

✓ **من در کنگره حزبی خودمان گفتم جناب آقای میر حسین موسوی شما خیلی جلو رفتید؛ مقداری عقب بنشینید و رهبر معض**



به نوعی زیر پوستی به این مورد اشاره می‌کردید که مگر می‌شود انتخابات با مشارکت کم را برگزار کرد و حاصل این انتخابات مشروعیت لازم را نخواهد داشت اما می‌بینیم که سه انتخابات برگزار شده است و این مشارکت کاملا کاهش پیدا کرده است و قبح استفاده از لفظ تحریم انتخابات حتی در دیدگاه رسمی شکسته است و نهاد‌های بر آمده از این انتخابات حداقلی یعنی هم مجلس و هم ریاست جمهوری و هم شوراهای شهر و روستا در حال انجام فعالیت‌شان هستند، چه تضمینی است که شورای بازنگری قانون اساسی تشکیل بشود اتفاقا با این دیدگاه که با یک فرزندوم حداقلی یک قانون سخت‌تر را تصویب نکنند و به رای پایگاه اجتماعی محدود نکنند؟

من الان از آقای شجاعی می‌پرسم که وضعیت موجود توانسته اکثریت قاطع مردم را با خود همراه کند؟

آیا برای حاکمیت مهم استست که اکثریت مردم ناراضی

هستند؟

واقعیت این است که در انتخابات ریاست جمهوری (بنده کاندیدی این انتخابات اصلاحات بودم و کسی توجه نکرد که حتی یک نفر هم از جناح اصلاح طلب،) ولی به طور واقع آرای آقا یا خانم آرای باطله دو میلیون و پانزده هزار تا رای آورده است! انتخاباتی نبوده که رقابتی باشد. آقای رئیسی را بدون هیچ‌گونه رقابتی بالا آوردند. مجلس هم با ۱۸ درصد رای در تهران رای آوردند. ولی شما می‌توانید به مجلس بگویید جامعیت برای همه مردم دارد، مجلسی که ۶۰ درصد می‌آیند معمولا آن‌هایی که بودند با یک سوم نمایندگی می‌کردند و وای به حال مجلسی که با آمار رسمی حدود ۶۰درصد نمایندند و ۴۸ درصد آمدند، یا در ریاست جمهوری طبق آمار گفته شد که ۵۲ درصد شرکت نکردند و فقط ۴۸ درصد شرکت کردند، مشخص است که انتخابات واقعی به معنای رقابتی نبود، بحث ما این است که شما می‌گویید که تفکری است که می‌گوید افکار عمومی و اکثریت برایتان مهم نیست و باید از سیاست سوا باشیم. این که در فرزندوم برگزار شود جای بحث کردن ندارد، بحث برای این است که ما قبول کنیم یا خیر. اگر این اتفاق بیفتد، بحث ما این است که شما می‌گویید که من دو روایت شنیدم، یک روایت این که عقلا اصولگرایان ما می‌گویم که اگر باید انتخابات خوب داشته باشید حتما باید رقابتی باشد و حتما باید اصلاح‌طلبان تأیید صلاحیت بشوند. اما در وزارت کشور هم مطرح کردیم که بیاییم توافق کنیم انتخابات پر ۶۰ درصد مشارکت خیلی رقم بالا هم نمی‌گوییم که ۸۵ درصد سال ۸۸ هم نمی‌گوییم که در انتخابات شرکت کردند! گفتیم بگوییم کف انتظاراتمان هر سه فراکسیون هم مستقلین، هم اصلاح طلبان و هم اصولگرایان را ۶۰ درصد بگذاریم و همه برگزار کردن می‌شود چرا نشود!

بحث ما این است که بالای ۵۰ یا ۶۰ درصد رای داشته باشید. ما در وزارت کشور هم مطرح کردیم که بیاییم توافق کنیم انتخابات پر ۶۰ درصد مشارکت خیلی رقم بالا هم نمی‌گوییم که ۸۵ درصد سال ۸۸ هم نمی‌گوییم که در انتخابات شرکت کردند! گفتیم بگوییم کف انتظاراتمان هر سه فراکسیون هم مستقلین، هم اصلاح طلبان و هم اصولگرایان را ۶۰ درصد بگذاریم و همه

گفت‌و‌گو با دیدار نیوز، برنامه تنگنا؛

ماندگاری نظام خواهد شد

می‌زنند بلکه اراده اکثریت مردم همواره تعیین‌کننده سر نوشت جامعه است

، یکبار هم انجام نشده است، اصلاح همین اصل یکی از موارد بازنگری قانون اساسی است

، بحث نقش زنان در عرصه سیاست و امثال اینها را فقط با اصلاح قانون اساسی می‌توان عملیاتی کرد

ور و یا تحقیق و تفحص از املاک نجومی و امثال نمی‌گذاشت موضوع به تصویب برسد

نصادی دنیا بشویم؛ اگر نمی‌شویم باید در رفتار حکمرانی خودمان تجدیدنظر کنیم

لم انقلاب شما هم مقداری جلوتر بیاید که با یکدیگر به جایی برسیم، یعنی با همین قانون اساسی بازنگری در آن ایجاد کنیم



این را قبول کنیم و آن انتخاباتی می‌شود که به ماندگاری نظام کمک می‌کند و به پایداری مواضع اصلی حکومت کمک می‌کند

و همه هم این پیشنهاد را پذیرفتند و هیچ کدام از سه فراکسیون حداقل در خانه احزاب بسا این بحث مخالفت نکردند و به عنوان جمع بندی همه قبول داشتند که باید انتخابات ۶۰ درصدی را تجربه کنیم.

می‌شود آمارسازی کرد، من برخلاف خیلی‌ها که فکر می‌کنند تقلب در انتخابات سلامت در انتخابات همراه است من نگران این نیستم، من نگران اصل مشارکت هستم چرا که اگر مشارکت نباشد مانند این است که ما بر سر قبری نشستیم! گریه می‌کنیم که در آن اصلا مرده‌ای وجود ندارد، ما باید همه برای مشارکت حداکثری تلاش کنیم و آن هم فقط راه‌حل می‌خواهد که امیدوار کنیم مردم را و بگوییم با بازنگری قانون اساسی چگونه می‌شود و اصولی را اصلاح کنیم که کارکرد مجلس و شورا و دولت حتی دستگاه قضایی و اقتصادی بهتر عمل کنند. الان اقداماتی که آقای موسوی انجام می‌دهند را قبول دارم اما آقای محسنی اژدای مگر می‌تواند به نهادهای زیر مجموعه رهبری ورود آن چنانی داشته باشد؟

آقای محسنی اژدای که در بین سه قوه تنها قوای است که مستقیم از خود رهبری دستور می‌گیرند؟

بله. در جاهای دیگر قوه قضائیه حالت استقلال دارد ولی الان با همه اقدامات متشععات خوب آقای اژدای ولی بسیاری از نهادهای زیر مجموعه نهاد معظم رهبری را نمی‌توانند ورود کنند و اصلا ورود هم نمی‌کنند. لذا من معتقد هستم همه بحث‌ها حتی بحث بانک مرکزی و واقعیتش این است در دنیا تجربه شده بانک مرکزی باید حالت استقلال داشته باشد که بتواند فعالیت داشته باشد. من معتقد هستم که باید به سمت اصلاح قانون اساسی برویم

شما در مقطع انتخابات سال ۸۸ جزو مسئولان ستاد آقای میر حسین موسوی بودید و بعد از اتفاقاتی که رخ داد شما نماینده مجلس بودید و در مجلس حضور داشتید، به عنوان نماینده مجلس چه کردید که موجب اقدامات خودسرانه آقای احمدی نژاد و دولت احمدی نژاد به عنوان مثال برداشت از خزانه بانک مرکزی و امثال آن را بگیرید؟ چه اقداماتی از جانب شما و دوستانش که هم فراکسیون با شما بودند شکل گرفت یک اقلیت اصلاح طلب در مجلس هشتم داشتیم چه اقداماتی صورت گرفت؟

من همان گونه که فرمودید رئیس ستاد اصلاح طلبان حامی میر حسین موسوی در سال ۸۸ بودم، جناب آقای عباس آخوندی رئیس ستاد اصول گرایان حامی میر حسین موسوی بودند که با هم رفیقیم و سخنرانی‌های مشترک در جاهای مختلف داشتم و باور داشتمیم که باید این اتفاق بیفتد آقای موسوی انتخاب بشود اما به هر دلیلی ند. من در طول بحث‌های خود بارها گفته ام که بیش از این که نگران سلامت انتخابات باشیم از این نظر که آرا خیلی بالا و پایین شده باشد بیشتر نگران تخلفاتی هستم که آقای احمدی نژاد در آن مقطع انجام می‌دادند از جمله ؛ سهام عدالت و…

من یک بار به جایی رفتم که در سال ۹ الی ۱۰ شب بود و عده‌ای صف گرفته بودند و ابتدا فکر کردم طرفداران احمدی نژادان هستند اما بعد متوجه شدم در ساعت ۹ شب سهام عدالت

به دلیل رفقت. یکی از اعضای فراکسیون بعد از آن بازداشت شدند که از همشهری‌های آقای عارف بودند و به هولوگرام ایشان چندین میلیارد تخفیف داده بودند و همین شخص می‌آمدن بر علیه تحقیق و تفحص ما کار می‌کرد و اجازه به فعالیت ما نمی‌داد. چهار شهردار را در کمیسیون عمران کشانده بودند و بعد هم به صحن علنی رسیده بودند و فقط از ۴ الی ۵ نفر کم داشتند که تحقیق و تفحص به نتیجه برسد. در بحث عفو عمومی هم کارایی انجام می‌دادیم ولی بچه‌های فراکسیون ما گاهی همکاری نمی‌کردند و بعد می‌گفتند آقای دکتر عارف گفتند ملاحظاتی در این کار باید داشته باشید.

ساختار فراکسیون چگونه بوده که آقای عارف یک تنه می‌توانستند به دلیل رودرپایستی و ملاحظاتی که حتی شما نمی‌دانستید چه می‌باشد در مقابل خواست اکثریت اعضا مقاومت کنند، چون عملا ما می‌بینیم فراکسیون دقیقا سر به زنگایی که، چرا که ما از دی ماه ۹۶ می‌بینیم شکاف جدی بین مردم شروع می‌شود و آن شعار معروف اصلاح طلب و اصولگرا دیگه تمومه ماجرا شنیده می‌شود. اما آیا در فراکسیون از نظر تشکیلاتی واقعا سایر اعضا نمی‌توانستند تلاش کنند، مثلا در سال دوم مجلس رئیس فاکسیون مجلس را تغییر دهند یا چیدمان فراکسیون را تغییر دهند یا حزب مردم‌سالاری بگویند من دیگر در این فراکسیون نمی‌مانم چون ماندن من خیانت به رای مردم می‌باشد و فراکسیون خودم با اعضای همسوی خودم را تشکیل می‌دهم.

اگر الان بنشینیم تحلیل کنیم می‌توانیم مدعی شویم ای کاش اقدامات غیر از این را انجام می‌دادیم، اما اعتقاد ما این بود که ایجاد اختلاف بین اعضای فراکسیون عواقب ناگواریهایی دارد تا این که ما بخواهیم جبهه گیری کنیم چون که ما تجارب زیادی از بحث‌های این چنینی داشتیم و مخصوصا حساسیت‌هایی هم بر روی این مردم‌سالاری بود که ما مقداری مماشات می‌کردیم

یعنی مماشات با هم جنایی‌های خودش می‌کردید؟

بله ما مماشات می‌کردیم، من که در خیلی از مسائل تند بودم و علیه احمدی نژاد و حتی علیه لاریجانی هم به همین شکل بودم. ششورای هماهنگی اقتصاد مصوباتی انجام می‌دادند و به نام مجلس تمام می‌شد و من می‌گفتم ما اصلا خار دار از این قضیه نیستمیم که یک بار آقای لاریجانی گفتند ما حتما باید از پرفسور کواکبان اجازه بگیریم. ما با آن‌ها راحت بحث می‌کردیم اما در داخل با خودمان به دلیل حفظ وحدت و انسجام و کار تشکیلاتی مماشات داشتیم. الان اگر بخواهیم تحلیل کنیم می‌گوییم شاید بهتر بود نمی‌توان گفتم آن آن زمان حس ما این بود و بیشتر هم بر ما حساس بودند که این‌ها می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند و این تهمت‌ها را برای این که رفع کنیم خیلی دامن به این موارد نمی‌زدیم. هیچ سستی در فراکسیون و در هیچ جا نداشتیم. من نماینده تهران و عضو کمیسویی که موارد تهران را پیگیری می‌کرد بودم و دفتر آقای اسحاق جهانگیری هم بود و خودم رای آورده بودم و فراکسیون باعث رای آوردن من نشد. از طرف فاکسیون من در هیچ جا کاندیدا نشده به دلیل این که نمی‌خواستم درگیری ایجاد شود. مثلا از طرف کمیسوی امنیت ملی به من پیشنهاد می‌دادند و برخی ازسفرها و گروه‌های دوستی که من در آن حضور داشتم همه بدون نظر فراکسیون بود. شاید بچه‌های فاکسیون به صورت جدا به من رای داده باشند اما این که به دلیل بودن در فراکسیون کاندیدا بوده باشم چنین چیزی وجود ندارد چرا که نمی‌خواستم درگیری بشود و به دلیل روز اول که گفته بودم اگر ایشان نمایند من می‌آیم و دوستان به من گفتند نباید بیایید.

چه کسانی گفتند نباید بیاید؟

دوستانی گفتند نباید بیاید اما آن زمان احساس من این بود که انسجام ما بیشتر حس می‌شود و شاید بتوان در طرح‌ها و لوایح بعدی بهتر توانیم عمل کنیم. آن ۲۰ الی ۸۰ نفر فراکسیون مستقل ولایی مشکل اصلی ما بودند چون اصول گرایان خط شان مشخص بود و اصلاح طلب‌ها نسبتا محکمی هم در این جا مشخص بود و یک عده ای این وسط بودند که مشکلات ما بودند و همیشه با یکدیگر مساله داشتیم و آقای عارف هم می‌خواستند مراقب این افراد هم باشند اما ما رودرپایستی نداشتیم می‌گفتمیم طیف اصول گرایان مشخص است شما چرا این کار را انجام می‌دهید.

من چهار بزنگاه تاریخی مجلس دهم را می‌خواهم بگویم و می‌خواهم گوناوه توضیح بدهید و بفرمایید عملیات فراکسیون امید در این جا چه بوده است؟ در دی ۹۶

من فکر می‌کنم ای کاش مجلس در آن زمان که ما هم بودیم موضع جدی تری می‌توانست بگیرد و نگرفت و مشخص هم بود که گفتند از مشهد شروع شده و آن‌ها برای این بود که دولت حالت‌هایی را در ابتدای کار ایجاد کند و همان ابتدای کار نسخه کشی از دولت بود اما مجلس هم مماشات کرد و خیلی جدی رفتار نکرد.

آبان ۹۸

آبان ۹۸ که فاجعه بود. من همان دوران یکی از مواردی را گفتمیم انجام بدهیم بحث استیضاح آقای رحمانی قضلی بود ولی آقای لاریجانی اجازه نمی‌دادند.

فراکسیون امید تمایل به انجام این کار را داشتند؟

بله یکی از مشکلات ما همین بود که فراکسیون به عنوان فراکسیون به میان نمی‌آمدند. دوستانی مانند علی متقی داشتمیم و جاهایی که نیاز داشتیم با ما همراهی می‌کردند و دوستانی هم بودند که به عنوان مثال نایب رئیس بودند اما مشخص رئیس اجازه نمی‌دادند و دوست نداشتند هماهنگی‌هایی که خودشان داشتند را انجام دهند. لذا من معتقد هستم که در داستان ۹۸ هم این اتفاق افتاد که خطبه‌ای معروف شد به خطبه بنزینیه یعنی یکشبه‌ای که بعد از جمعه اعلام نرخ بنزین ما آمدیم و با آمدن آقای شمخانی روبه رو شدیم! آقای شمخانی صحبت کردند

است اما می‌خواهم بدانم در ماه‌های آخر اگر چه شبهه‌ای در این مورد استست که پاندمی کرونا ورود ویروس کرونا و شروع کوید نوزده از اوایل زمستان ۱۳۹۸ در کشور بود و به دلایل مختلف از جمله برگزاری انتخابات مجلس این موضوع کتمان ششد و نهایتا روز قبل از انتخابات ورود آن به کشور اعلام شد و بعد از آن هنوز شما سه ماه نماینده مجلس هستیید. برای این پاندمی چه کاری انجام دادید؟

آقای شجاعی من دوست دارم برخی از ایسن صحبت‌ها را در همین مقطع در مجلس برایتان بفرستم. من معتقد هستم آن‌هایی که می‌دانستند چنین مرضی وارد کشور شده است اما باز هم انتخابات را برگزار کردند به نظر من کار خیلی بدی انجام دادند و بدتر این که بعد از آن هم لاپوشانی کردند.

شما می‌گویید ما خرداد سال ۹۹ نماینده نبودیم اما مجلس کاملا شکل گرفته بود و با هیچ مشکلی مواجه نبود اما در این فاصله حتی مجلس هم تعطیل کردند!

یعنی فاصله انتخابات تا شروع مجلس جدید؟

بله. گفتند به دلیل کرونا نمی‌توانیم جلسات را برگزار کنیم و یکی از دلایل هم این بود که بوجه سال ۹۹ را بدان این که به تصویب مجلس برسد بیزند و با همان ماکنیزم شورای سران سه قوه تصویب کنند و من بارها اعتراض کردم به وزیر بهداشت آقای نمکی گفتمیم شما می‌گویید دوران کرونا است بنابراین چگونه است که آقایان تصمیمات شان را می‌گیرند ولی فقط جلسات علنی برگزار نمی‌شود برای این قضیه فکری کنید، دو ماه کامل جلسه علنی برگزار مشد و در همین فاصله فقط اعتراضات ما بود که می‌گفتمیم چرا جلسات علنی برگزار نمی‌کنید و بارها گفتم مگر در دنیا به دلیل کرونا مجالس قانونی شان را تعطیل می‌کنند؟

ما حتی در دوران جنگ هم مجالس مان تعطیل نشد

بله. من معتقد هستم که به نظر من دکتر لاریجانی در این مسائل خیلی کوتاه آمدند و هماهنگی داشتند و بحث‌هایی که بعدها مطرح شد و همان آقایابی که امضا کردند فلان واکنس نباید و باید و این بحث‌ها را کسی باید به این‌ها می‌گفت و بعدها آمدند وزیر شدند و…! مردم در دورانی که مشکلات واکنس داشتند مجلسی در کار نبود که به مشکلات مردم رسیدگی کنند و ما فقط می‌توانستیم اعتراض کنیم که چرا مجلس تعطیل شده است. شما ببینید بعد از داستان شروع کرونا و انتخاباتی که برای دوره یازدهم بود و تا روزهای آخر هم که در مجلس بودیم چند عکس گرفتیم که تشکیلات آن انجام شود اما مجلسی که فعالیت رسمی انجام بشد را نداشتیم.

چرا شما و تعدادی از نمایندگان مجلس دهم که همسو با شما هستند این است که ما منتقد نحوه مواجه بخش‌هایی از حاکمیت و مجلس هیئیتد و بر کار کرد مجلس بحث دارید مانند تعطیلی مجلس در دوران کرونا، بنابراین چرا مجددا کاندیدا شدید آن هم در شرایطی که به نظر می‌آمد اقبال زیادی به انتخابات مجلس نخواهد ششد، شما در مجلس یازدهم هم کاندیدا بود، چه چیزی را می‌خواستید به دست بیاورید یا چه مسیری را می‌خواستید ادامه دهید که در مجلس دهم موفق به دست یابی به آن نشدید؟

من اعتراف می‌کنم استیابه برداشستی داشتیم و فکر می‌کردم مردم در سال ۹۸ در انتخابات می‌آیند لذا علی رغم این که در اصلاحات سه نظر وجود داشت و یک عده می‌گفتند باید بیایید و عده دیگری می‌گفتند نباید بیایید و تمام اکثریت رای‌ها هم با این اشخاص بود و عده ای هم بودند و صندوق محور از آن‌ها نام برده می‌شود و می‌گویند تحت هر شرایطی باید بیاییم و حضور داشته باشیم و لیست مستقلی هم دارند.

ما ۷ الی ۸ حزب در جبهه اصلاحات بودیم و تصورمان این بود که نه باید با انتخابات قهر کنیم و نه شیفته انتخابات باشیم و واقعا هم فکر می‌کردیم مردم به انتخابات می‌آیند. حتی با وجود شروع کرونا فکر می‌کردیم مردم بسه انتخابات می‌آیند. بچه‌های رزومه خود ما می‌گفتند دکتر جان ما خیلی شما را دوست داریم اما به شما رای نمی‌دهیم! جپتی بود که ما متوجه شدیم و در مجلس دهم هم در روزهای آخر گفتمم آقای قالیباف که نفر اول هستیید به اندازه من که نفر ششم مجلس دهم که یک میلیون و دوست و شصت و پنج هزار رای آورده ام شده اید و آقای قالیباف یک هم الی دو هزار رای کمتر رای آوردند. یک فردی دو درصد از واجدین شرایط را رای آورده بودند! لذا من قبول دارم که ما برداشت مان این بود که نباید با انتخابات قهر کنیم و من هم در صلاحیت نشدم و نفر سی و هفتم در تهران شدم که آقای مجید انصاری و محبوب بودیم و نفرت بعدی بعد از لیست اول ما بودیم.

آقای هواپیمای خیلی‌ها معتقد هستند شما و مجموعه‌های نزدیک به شما، در عین حال که به مجموعه‌هایی مانند جبهه اصلاحات برخی جاها این‌ها را قبول دارید و برخی مواقع قبول ندارید با این‌ها سر میز می‌نشینید و یک کرسی جلسات دارید نسبت شما و حزب مردم‌سالاری با مجموعه جبهه اصلاحات و رهبری معنوی آن هم محمد خاتمی است چه چیزی است؟

من مسئول ستاد اصلاح طلبان حامی میر حسین موسوی بودم و خود ستاد مرکزی در کمیته استان‌ها بودم. ما احترامی برای خاتمی قائل هستیم و خواهیم بود. ما جزو اهزایی هستیم که وجود اشخاص حقیقی را در جبهه اصلاحات بر نمی‌انیم، کمیته‌ای‌الان درست شده است که غیر از ۳۱ عضو رسمی و قانونی جبهه ۱۵ نفر هم اضافه کنند اما سن اعتقاد ندارم و می‌گویم مگر نمی‌گویید باید تحزب را در کشور راه اندازی کنیم و دغدغه‌مان این موضوع باشد سر اشخاص حقیقی چه هستند؟ معمولی الی چهار حزب هستند که به نام اشخاص حقیقی می‌آیند البته حزبی هستند اما با نام اشخاص حقیقی می‌آیند اما اگر تحولاتی بشود و نتایج‌ها هم همراهی داشته باشند حتما اصلاح طلبان اکثریت بیشتری نسبت به اصول گرایان دارند.

آینده ایران را چگونه می‌بینید؟

من به شددت نگران هستم. نگران این نیستم که ایران تجزیه بشود یا وضعیتی پیش بیاید که اشغال گرایان وارد ایران بشود بلکه نگران این هستم که ما از غافله علم و تمدن و پیشرفت به شدت عقب بمانیم و دغدغه ما این است. ما یک زمانی از سند چشم‌انداز بیست ساله یاد می‌دادیم که سال ۱۴۰۴ باشد اما الان کم تر از دو سال مانده که به این سال برسیم اما طبق این سند باید کشور اول منطقه و کشور دهم برتر اقتصادی دنیا باشیم. در دو سال اخیر هیچ کدام از این اتفاقات نمی‌افتد نه کشور اول منطقه هستیم و…

شما در منطقه پیشرفت‌هایی که دارند را مشاهده می‌کنید حتی در حاشیه خلیج فارس ف حتی کشور ترکیه و… و ما می‌خواهیم کشور دهم اقتصادی دنیا بشویم که نخواهیم شد و این نگرانی من است که ای کاش برنامه‌هایی اجرا می‌شد و از جمله حکومت که می‌گویید ای کاش تکلفانی نشان می‌داد و حرف‌های نخبگان را بهتر می‌پذیرفت که ما به این پیشرفت‌ها برسیم و این که بنده این صندلی را داشته باشم این مهم نیست بلکه مهم این است که اکثریت مردم در رفاه باشند و تنگناهای معیشتی نداشته باشند و این امر امکان پذیر نیست مگر این که حکومت رضایت اکثریت مردم در نظر بگیرد و از برخی بحث‌ها دست بکشو لذا دغدغه من پیشرفت و توسعه آینده و تکاملی است که باید در این کشور حاصل بشود و فقط راه نباید بگوییم در پهباید و… خیلی پیشرفت کرده ایم، البته اینها را داشته باشیم اما اقتصاد مردم اگر درست نشود این چیزها به درد نمی‌خورد و واقعیت این است که مباحث اقتصادی امروزه در دنیا جایگاه مهمی دارد. این که فکر کنید رئیس جمهور و دبیر کل حزب بودم و آقای صالحی وزیر خارجه بودند و به اتفاق ایشان ما به آن جا رفتمیم و آن دوران من قائم مقام رئیس جمهور و دبیر کل حزب بودم و اتفاقا هم هستم و از من معرفی کردند و گفتند ایشان نماینده پارلمان هستند و از من پرسیدند شما الان برنامه چندم است که می‌آیید گفتمم برنامه ششم را برگزار می‌کنیم و آن شخص گفتند ما الان برنامه ۱۶ را می‌خواهیم بر گزار کنیم.